
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

مددکاری اجتماعی
(مبانی مددکاری، مددکاری فردی، گروهی و جامعه ای)

«مددکاری اجتماعی»

مؤلف: مجتبی درویش

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

مجموعه ای که در حال حاضر در اختیارتان قرار دارد شامل شرحی از مباحث مددکاری اجتماعی (شامل مبانی مددکاری، مددکاری فردی، گروهی، جامعه‌ی) است که به منظور آماده‌سازی داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی تهیه و تنظیم گردیده است .

افزایش شمار داوطلبان ورود به مقطع کارشناسی ارشد از یک طرف و ناآشنا بودن بعضی داوطلبان به مواد و منابع امتحانی مرا بر آن داشت تا درصدد تهیه و تنظیم این مجموعه برآیم تا بتواند یاری گر داوطلبان برای ورود به مقطع کارشناسی ارشد باشد.

این مجموعه تلخیصی از منابع به منظور آماده سازی داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد می باشد، بنابراین در بر گیرندۀ کل مطالب منابع معرفی شده نمی باشد، لذا به داوطلبان عزیز توصیه می گردد تنها به مطالعه مجموعه حاضر اکتفا نکرده و اصل منابع را مورد مطالعه قرار دهند.

ضمناً به این نکته اذعان دارم که این مجموعه قطعاً همراه با کاستی های فراوان است. امیدوارم خوانندگان عزیز با ارائه نقاط ضعف و راه حل های مناسب اینجانب را در رفع اشکالات و نقایص در چاپ های بعدی یاری نمایند تا مجموعه ای منسجم ارائه گردد .

در پایان لازم می دانم از خانواده عزیزم و دوستانی که مشوق بنده در انجام این امر بودند و نیز از مدیریت محترم انتشارات ارشد و همکارانشان کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

شاد، سالم و موفق باشید.

درویشی

mojtaba.darvishi64@gmail.com

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مولف ۴

بخش اول: مبانی مددکاری اجتماعی

فصل اول: خدمات اجتماعی در اسلام ۱۷
*** مفهوم خدمات اجتماعی ۱۷
بنیان فلسفی خدمات اجتماعی ۱۹
قسمت اول) منشاء و انگیزه خدمات اجتماعی ۱۹
قسمت دوم: اهداف خدمات اجتماعی ۲۱
قسمت سوم: شرایط و اصول خدمات اجتماعی ۲۲
قسمت چهارم: آثار و نتایج خدمات اجتماعی ۲۴
***تکافل اجتماعی ۲۶
قسمت اول: تکافل اجتماعی به صورت فردی (بعد فردی تکافل اجتماعی) ۲۶
قسمت دوم: تکافل در گروه های اجتماعی ۲۸
قسمت سوم: تکافل اجتماعی در بعد عامه (عمومی- جمعی) ۳۰
***بودجه های (منابع مالی) خدمات اجتماعی ۳۳
«زکوۀ» : ۳۳
«وقف» ۳۴
***سازمان های خدمات اجتماعی ۳۴
سیر تاریخی مددکاری اجتماعی ۳۵
فصل دوم: سیر تاریخی مددکاری اجتماعی ۳۷
***۱- مفهوم مددکاری اجتماعی ۳۷
***۲- تاریخ مددکاری در دنیا ۳۹
***۳- مددکاری و خدمات اجتماعی در ایران ۴۱
۳-۳- ایران بعد از اسلام ۴۲
۴-توسعه و گسترش دانش مددکاری اجتماعی ۴۳
فصل سوم: مددکاری اجتماعی چیست؟ ۴۷
***۱- تعریف مددکاری اجتماعی ۴۷
***۲-نظریه‌ها و فرضیه‌های مددکاری اجتماعی ۵۰
۱- نظریه‌ها ۵۰

عنوان..... صفحه

۲- فرضیه‌ها..... ۵۱
***۳- شاخه های مددکاری اجتماعی ۵۲
***۴-مقایسه بعضی موارد درسه روش اصلی مددکاری اجتماعی ۵۴
۲- مددجو ۵۵
۳- مشکل ۵۶
۴- کارابزارها..... ۵۶
۵- تشخیص ۵۷
۶- برنامه‌ریزی (طرح کمکی) ۵۷
۷- ارزیابی..... ۵۸
فصل چهارم: اهداف، موضوع و قلمرو مددکاری اجتماعی..... ۶۱
***۱- اهداف مددکاری اجتماعی..... ۶۱
***۲- موضوع و قلمرو مددکاری اجتماعی ۶۳
***۳-مددکاری اجتماعی به عنوان پاسخی به «نیاز و نگرانی» ۶۴
***۴-مددکاری اجتماعی به عنوان مداخله ای در مراوده های بشری ۶۷
اصول و ارزشهای اساسی در مددکاری اجتماعی..... ۶۹
فصل پنجم: اصول و ارزش‌های اساسی در مددکاری اجتماعی..... ۷۱
***۱- مفهوم اصول و ارزشها در مددکاری ۷۱
***۲- ارزشهای اساسی در مددکاری..... ۷۲
***۳- اصول عمومی مددکاری اجتماعی ۷۳
***۴- منشور اخلاقی مددکاری اجتماعی ۷۸
***۵- بهره گیری مددکاری اجتماعی ازعلوم انسانی..... ۷۸
۱- رابطهٔ مددکاری با انسان شناسی..... ۷۸
۲- رابطهٔ مددکاری با جامعه شناسی ۸۰
*مکتب مثبت‌گرایی یا اثبات‌گرایی ۸۳
۳- رابطه مددکاری اجتماعی با روانشناسی..... ۸۵
***۶- مددکاری اجتماعی به عنوان آمیزه‌ای خلاق از دانش، ارزشها و مهارت‌ها..... ۸۸
فصل ششم: چند مورد از مفاهیم عمدهٔ مددکاری اجتماعی..... ۹۳
***۱-«مددکار» ۹۳
** *۲-«مددجو» ۹۶
***۳-خدمات اجتماعی ۹۸
***۴- رفاه اجتماعی..... ۹۹
***۵- تأمین اجتماعی ۹۹
*** ۶- محیط ۹۹
فصل هفتم: فرآیند حل مشکل و روند مددکاری اجتماعی ۱۰۵
***۱- مددکاری اجتماعی به عنوان فرآیند حل مشکل ۱۰۵
***۲- روند مددکاری اجتماعی ۱۰۹

عنوان..... صفحه

فصل هشتم: مددکاری اجتماعی با سیستم ها و تأثیر حرفه‌ای روی آنها ۱۲۳
*** کمک به مددجویان تا با سیستم مربوطه به مبادله بپردازند ۱۲۳
***تأثیر حرفه‌ای روی سیستم ۱۲۴
فصل نهم: مبانی حقوقی مددکاری اجتماعی ۱۲۹
***۱- جایگاه مددکاری اجتماعی در قانون اساسی ۱۲۹
***۲- مددکاری اجتماعی و حقوق بین المللی ۱۳۲

بخش دوم: مددکاری اجتماعی با افراد

فصل اول: موضوعات مهم در مددکاری با افراد ۱۳۹
***مفهوم رابطه متقابل مددکار اجتماعی با افراد ۱۳۹
***فرضیات زیربنایی در مدل کنش متقابل ۱۴۳
***ریشه های حرفه مددکاری اجتماعی و کارکرد آن ۱۴۶
***مهارت مددکاری اجتماعی و رابطهٔ کاری ۱۴۸
***ارزشها و اصول اخلاقی ۱۵۱
***مختصری از مفاهیم مهم روانشناسی ستم: ۱۵۲
***دیگر دیدگاههای بدیل در مددکاری اجتماعی ۱۵۴
فصل دوم: مراحل مددکاری اجتماعی در کار با افراد ۱۵۹
***۱- مرحلهٔ مقدماتی کار ۱۵۹
***۲- مرحلهٔ شروع و قرارداد بستن ۱۶۲
***۳- مرحلهٔ کار ۱۶۵
***۴- مرحلهٔ پایانی و انتقال ۱۷۵
فصل سوم: روشهای مطالعه و شناخت، در مددکاری فردی ۱۸۱
***۱- مشاهده ۱۸۱
***۲- مصاحبه ۱۸۱
***۳- مطالعه ۱۸۵
***۴- مکاشفه ۱۸۵

بخش سوم: مددکاری گروهی (کار با گروهها)

فصل اول: پویایی گروه ها ۱۹۱
***الف) پیدایش نظریه های مختلف در پویایی گروهی ۱۹۱
***ب) گروه چیست؟ ۱۹۲
***ج) انواع گروه ۱۹۲
***د) مفاهیم مهم در مددکاری گروهی: ۱۹۳
فصل دوم: کارکردهای گروه وعوامل تشکیل دهنده آن ۱۹۹
***الف) کارکردهای گروه ۱۹۹

عنوان..... صفحه

***ب) عوامل تشکیل دهنده گروه..... ۲۰۰
فصل سوم: اعمال متقابل چندفردی ۲۱۵
***الف) گروه کوچک به عنوان یک نظام اجتماعی..... ۲۱۵
***ب) مددکار اجتماعی به عنوان یک عضو گروه ۲۱۷
***ج) مددکار چندمددجویی (مددکاری که با چندمددجویی مختلف کار می‌کند) ۲۱۸
فصل چهارم: مراحل تکامل گروه و مهارت‌ها و تکنیک های مددکاری دراین مراحل ۲۲۳
***الف : مراحل تحول و تکامل گروه..... ۲۲۳
***ب) مهارت‌ها و تکنیک های مددکاری گروهی در مراحل مختلف..... ۲۲۹
***ج)دستورالعمل اداره جلسات گروهی: ۲۳۳
فصل پنجم: گروه به عنوان سیستم کمک متقابل ۲۳۹
***گروه به عنوان سیستم کمک متقابل..... ۲۳۹
***پویایی‌های کمک متقابل..... ۲۴۰
***موانع کمک متقابل ۲۴۲
***وظایف رهبر گروه..... ۲۴۲
فصل ششم: تشکیل گروه ۲۴۷
***۱) کار با سیستم کارکنان ۲۴۷
***۲) مشخص کردن نوع و ساختار گروه..... ۲۴۸
***۳- کار با اعضای آینده گروه..... ۲۵۲
فصل هفتم: مراحل انجام کار با گروه ها ۲۵۷
***مرحلهٔ شروع در کار با گروه ها..... ۲۵۷
***– مرحله کار در گروه..... ۲۶۳
– کار با گروه به عنوان مددجوی دوم ۲۷۱
*** مرحله پایانی و انتقالات در کار با گروه ها ۲۷۸
فصل هشتم: مددکاری اجتماعی با خانواده ۲۸۳
*** کار با خانواده در زمینهٔ مددکاری اجتماعی ۲۸۳
***نظریات خانواده درمانی..... ۲۸۳
فصل نهم: مددکاری خانوادگی با تمرکز بر مشکل..... ۲۸۷

بخش چهارم: مددکاری اجتماعی جامعه‌ای (کار با جامعه)

فصل اول: مقدمه ای در مورد مددکاری جامعه‌ای ۲۹۳
***تعریف مددکاری جامعه‌ای (کار با جامعه):..... ۲۹۳
*** تعریف جامعه و انواع آن..... ۲۹۳
** طبقه بندی انواع جوامع انسانی ۲۹۴
***مختصری در مورد اجتماع و جامعه..... ۲۹۹
***نگاهی به تاریخچه مددکاری جامعه‌ای ۳۰۰
***اصول مددکاری جامعه‌ای ۳۰۱

عنوان..... صفحه

***مراحل کار با جامعه..... ۳۰۳
***مقایسه مددکاری جامعه‌ای و وقف:..... ۳۰۴
فصل دوم: برخی از مکاتب و نظریه های جامعه شناسی و کاربرد آنها در مدد کاری جامعه‌ای..... ۳۰۷
۱- جامعه شناسی صوری..... ۳۰۷
۲- جامعه شناسی ناب تونیز..... ۳۰۸
۳- دیدگاه پدیدار شناسی..... ۳۰۸
۴- نظریه مبادله..... ۳۰۹
۵- مکتب اثبات گرایی..... ۳۱۰
۶- مکتب کارکرد گرایی یا فونکسیونالیسم..... ۳۱۰
۷- نظریه کنش متقابل نمادی..... ۳۱۱
۸- دیدگاه تفهمی..... ۳۱۲
فصل سوم: نظریه های توسعه و توسعه روستایی..... ۳۱۵
***مفهوم توسعه..... ۳۱۵
***روستو و مسأله توسعه..... ۳۱۵
***اسملسر و توسعه..... ۳۱۶
***نظریه راجرز و توسعه..... ۳۱۶
***نظریه مراحل سه گانه توسعه..... ۳۱۸
***نظریه توسعه اجتماعی..... ۳۱۸
***توسعه اقتصادی و اجتماعی روستایی در کشورهای در حال توسعه..... ۳۱۹
فصل چهارم: روش شناسی در مددکاری جامعه‌ای..... ۳۲۵
*** طرح مسأله در مددکاری جامعه‌ای..... ۳۲۵
*** روشهای مددکاری اجتماعی در کار با جامعه..... ۳۳۰
***نقش های مددکار اجتماعی در روش کار با جامعه:..... ۳۳۳
***طرح مطالعاتی و حل مشکل در مددکاری جامعه‌ای..... ۳۳۴
***یادداشت فنی..... ۳۳۷
فصل پنجم: مشارکت اجتماعی به عنوان هسته‌ی اصلی توسعه‌ی انسانی در مددکاری اجتماعی..... ۳۴۳
***تعریف مشارکت اجتماعی (به عنوان مؤلفه‌ی اصلی عمل و رفتار اجتماعی)..... ۳۴۳
***بیگانگی؛ مانعی برای مشارکت و توسعهٔ ملی..... ۳۴۶
***انواع مشارکت، اشکال مشارکت و درجات گوناگون آن..... ۳۴۷
***تعاریف اندیشمندان مختلف از «مشارکت»:..... ۳۴۸
مددکاری جامعه‌ای در مناطق حاشیه‌نشین روستاها..... ۳۵۱
فصل ششم: مددکاری جامعه‌ای در مناطق حاشیه نشین وروستا..... ۳۵۳
***مددکاری جامعه‌ای در سازمان بخشی اجتماع حاشیه نشین شهری..... ۳۵۳
***مددکاری جامعه‌ای در روستا..... ۳۵۷

عنوان..... صفحه

فصل هفتم: تغییر و تحول در کار با جامعه ۳۶۱
***تغییر و تحول اجتماعی ۳۶۱
***راهنماییهای سودمند در ایجاد «تغییر» ۳۶۲
***انواع «تغییر و تحول»: ۳۶۲
***مقاومت در برابر تغییر ۳۶۳
***پاسخهای غیرمؤثر به مقاومتها ۳۶۴
***ارزش مقاومت: ۳۶۵
***سه روش برای ایجاد «تغییر» ۳۶۶

بخش پنجم: مددکاری و مراقبت اجتماعی

فصل اول: مددکاری اجتماعی و خط مشی مراقبت اجتماعی ۳۷۱
***خط مشی مراقبت اجتماعی ونقش مددکار ۳۷۱
***مفهوم خط مشی مراقبت اجتماعی ۳۷۲
***اصول خط مشی « مراقبت اجتماعی» ۳۷۳
***مهارت‌های مددکاری اجتماعی در « مراقبت اجتماعی» ۳۷۶
***مراحل گسترش خط مشی « مراقبت اجتماعی» در خدمات اجتماعی ۳۷۶
فصل دوم: مدیریت مراقبت و مددکاری جامعه‌ای ۳۸۵
***دو رویکرد اصلی در مدیریت مراقبت ۳۸۵
***مدیریت موردی آمریکا ۳۸۵
***طرح مراقبت اجتماعی کنت ۳۸۷
***تنظیم مدیریت مراقبت ۳۸۹
***مدیریت مراقبت در « دفترچه راهنمای خط مشی» ۳۹۰
***معرفی مدیریت مراقبت در مراقبت اجتماعی ۳۹۲
***مدیریت مراقبت و مددکاری اجتماعی ۳۹۳
فصل سوم: تشخیص در مراقبت اجتماعی ۳۹۷
***مسائل مربوط به تشخیص در مراقبت اجتماعی و انواع تشخیص ۳۹۷
***تشخیص در مدیریت مراقبت ۳۹۹
***اهداف تشخیص ۴۰۱
***فرآیند تشخیص ۴۰۱
***تشخیص توسط متخصصان رشته های مختلف ۴۰۲
فصل چهارم: برنامه‌ریزی مراقبت ۴۰۷
***برنامه مراقبت،محوری برای ارائه خدمات ۴۰۷
***جنبه های برنامه مراقبت ۴۰۷
***مهارت‌های مددکاری اجتماعی در ارتباط با استفاده بهینه از منابع خود مددجویان: ۴۰۸
***الف) قادرسازی ۴۰۸

عنوان..... صفحه

***ب) حمایت..... ۴۰۸
***ج) حفاظت..... ۴۰۹
***مراقبت غیر رسمی..... ۴۰۹
فصل پنجم: اجرای برنامه های مراقبت و نظارت بر آن..... ۴۱۳
***دو جنبه در فرایند اجرای برنامه مراقبت..... ۴۱۳
***همکاری و ارتباط ۴۱۳
*** توسعه خدمات..... ۴۱۴
***حمایت به مثابه بخشی از مراقبت اجتماعی ۴۱۵
*** نظارت بر مدیریت مراقبت ۴۱۵
ضمیمه: مددکاری اجتماعی در ادبیات فارسی ۴۱۶
منابع و مآخذ..... ۴۱۸

بخش اول

مبانی مددکاری اجتماعی

عناوین اصلی

- فصل اول: خدمات اجتماعی در اسلام
- فصل دوم: سیر تاریخی مددکاری اجتماعی
- فصل سوم: مددکاری اجتماعی چیست؟
- فصل چهارم: چند مورد از مفاهیم عمدهٔ مددکاری اجتماعی
- فصل پنجم: اصول و ارزشهای اساسی در مددکاری اجتماعی
- فصل ششم: چند مورد از مفاهیم عمده مددکاری اجتماعی
- فصل هفتم: فرآیند حل مشکل و روند مددکاری اجتماعی
- فصل هشتم: مددکاری اجتماعی با سیستم و تأثیر حرفه‌ای روی آنها
- فصل هشتم: مبانی حقوقی مددکاری اجتماعی

فصل اول

خدمات اجتماعی در اسلام

عناوین اصلی

- مفهوم خدمات اجتماعی
- بنیان فلسفی خدمات اجتماعی
- تکافل اجتماعی
- بودجه های (منابع مالی) خدمات اجتماعی
- سازمان های خدمات اجتماعی

فصل اول

خدمات اجتماعی در اسلام

*** مفهوم خدمات اجتماعی

الف) مفهوم ساده خدمات اجتماعی

در جوامع سنتی، خدمات اجتماعی جنبه همگانی و سازمان نیافته داشت و افراد جامعه در تبعیت از سرشت انسانی خود، عامل به خدمات اجتماعی داوطلبانه بودند و براساس تلقی و احساس خود، نیاز مطرح شده را مرتفع می ساختند بدون آنکه نیازمند به تخصص و یا توانمندی خاصی باشند. به تدریج با ایجاد و گسترش حکومت ها ابعادی از خدمات اجتماعی مورد توجه و عمل بعضی از حکمرانان قرار گرفت.

ب) مفهوم نوین خدمات اجتماعی

تشکیل جوامع شهری و ایجاد اجتماعات بزرگ، مقدمه ای در جهت به وجود آمدن شرایطی بود که به «دولتی شدن» و «نهادی شدن» برنامه های خدمات اجتماعی انجامید. از این زمان بتدریج تعداد گروه های ویژۀ اجتماعی نظیر پیران، یتیمان، معلولین، منحرفین و ... رو به افزایش گذاشته و به تدریج مورد بی توجهی و بی مهری جامعه قرار گرفتند.

انقلاب صنعتی و ظهور کارگاه ها و کارخانجات بزرگ و سوء سیاست های صاحبان صنعت و تکنولوژی زمینه ساز بسیاری از مسائل اجتماعی، روانی – عاطفی، اقتصادی و حتی سیاسی شد.

توجه به زمینه های مختلف خدمات اجتماعی به وسیله دولتها اجتناب ناپذیر و حتی بسیار ضروری و لازم می نمود. «ویلیام بوریج»، دانشمند و اقتصاد دان انگلیسی که ریاست کمیته بیمه های اجتماعی تشکیل شده از طرف حزب کارگران انگلیسی را به عهده داشت طرحی متکی بر سه اصل (بهداشت عمومی، اشتغال کامل، پرداخت کمک هزینه به اولیاء کودکان) را ارائه کرد. او معتقد بود که از راه استقرار تعاون ملی و بیمه های اجتماعی، عدالت اجتماعی تأمین خواهد شد.

به موجب قطع نامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، برای رهایی کودکان ۱۴ کشور اروپایی و چین از چنگال فقر، بیماری، گرسنگی و بی سرپرستی، مؤسسه ای به نام «صندوق بین المللی کمک فوری به کودکان ملل متحد» با نام مخفف «یونیسف» تأسیس شد تا کودکان آسیب دیده از جنگ را حمایت کند.

به طور کلی «خدمات اجتماعی» در جهان امروز دارای دو مفهوم «عام» و «خاص» است.

- مفهوم «عام» خدمات اجتماعی، گاهاً به جای مفاهیم «خدمات عمومی» و یا «امور اجتماعی» به کار می رود. خدمات اجتماعی به مفهوم «عام» آن عبارت از ارائه هر گونه خدمت مادی و معنوی به اقشار مختلف جامعه در جهت تأمین نیازهای مشترک و عمومی آنهاست.

- مفهوم «خاص» خدمات اجتماعی در رابطه با «گروه های خاص» اجتماعی معنا پیدا می‌کند. منظور از «گروههای خاص» اجتماعی، اقشاری از جامعه هستند که به علل مختلف جسمانی، روانی، شخصیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علاوه بر نیازهای مشترک با همه مردم، نیازهای ویژه ای دارند که ممکن است این نیازمندی کوتاه مدت و یا دائمی باشد.

سرآغاز خدمت اجتماعی به مفهوم خاص آن را در ایران می‌توان از زمان قاجار مورد بررسی قرار داد و نخستین بار فکر ایجاد پرورشگاه در زمان ناصرالدین شاه مطرح شد که در نهایت با ارائه طرحی توسط نمایندگان تجار تهران به مجلس اول شورای ملی به نتیجه عملی رسید.

در سال ۱۲۸۷ اولین قانون بلدی کشور به تصویب رسید که به موجب آن نگهداری از اطفال سر راهی به عهده شهرداری ها گذاشته شد و براساس آن به تدریج سازمان تربیتی سابق شهر تهران (وابسته به شهرداری تهران) شکل گرفت.

برای نخستین بار در برنامه عمرانی چهارم که از سال ۱۳۴۷ آغاز شد، فصل مستقلی برای اقدامات مربوط به رفاه اجتماعی در نظر گرفته شد.

در برنامه عمرانی پنجم براساس اهداف پیش بینی شده، وزارت رفاه اجتماعی به عنوان محور اصلی خدمات اجتماعی (سال ۱۳۵۳) تأسیس شد که بیش از دو سال دوام نیاورد و در سال ۱۳۵۵ در وزارت بهداری ادغام گردید.

بعد از انقلاب، اولین تحول در مورد برنامه های خدمات اجتماعی در سال ۱۳۵۸ تحقق یافت که براساس مصوبه شورای انقلاب کلیه سازمانهای رفاهی – اجتماعی در وزارت بهداری و بهزیستی (معاونت بهزیستی) ادغام شدند.

در سال ۱۳۵۹ لایحهٔ قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور به تصویب شورای انقلاب رسید و بدین وسیله سازمان مذکور، با زیر پوشش گرفتن حوزه معاونت بهزیستی وزارت بهداری و بهزیستی، مسئولیت کلیهٔ برنامه های رفاهی و توانبخشی را عهده دار شد.

در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۲ تلاش های زیادی برای ساماندهی حوزه وسیع خدمات اجتماعی انجام گرفت که آخرین و جدیدترین آن، نظام جامع «تأمین و رفاه اجتماعی» بود که منجر به تأسیس وزارت رفاه و تأمین اجتماعی با هدف سیاست‌گزاری در عرصه رفاه و خدمات اجتماعی در سه بخش «بیمه ای»، «حمایتی» و «امدادی» گردید.

بطور کلی، برخی از صاحبنظران این حوزه، خدمات اجتماعی را برنامه ای معرفی می‌کنند که بوسیله آن، جامعه توان لازم را برای مبارزه با مشکلات خود به دست می‌آورد و یا به تعبیر کارشناسان سازمان ملل متحد «خدمات اجتماعی، فعالیتی سازمان یافته است که هدفش کمک به سازش و تطابق افراد و محیط آنهاست».

ج) مفهوم خدمات اجتماعی در متون اسلامی

با بررسی در فلسفه اعمال و احکام عبادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می بینیم که غالباً ریشه در تنزیه جامعه و اصلاح امور مسلمین دارد، چنانچه از نماز به عنوان «جلو گیرنده بسیاری از جرم های اجتماعی»، از روزه به عنوان «وسیله پیرایش روان»، از حج به عنوان یک «آشنا شدن اجتماعی همگان»، از زکات به عنوان «یک همکاری اجتماعی که برای نیازمندان حقی در دارائی بی نیازان گذاشته است» یاد می‌شود.

با الهام از تعالیم عالی اسلام برای حل مسئله فقر و دردمندی و ناتوانی بشری سه راه حل و یا سه سیستم (خدمات اجتماعی) مطرح می‌شود. ابتدا طریق حل مشکل در درون خانواده، دومین چاره آن در اجتماع و با برنامه‌ریزی دولتی و وظایفی که قانون گذار در این باره به عهدهٔ دولت گذاشته است. سومین روش آن از طرف همه افراد با وظایف دینی و مسئولیت اجتماعی. لذا در حکومت اسلامی، اصل، منبع و مبدأ هر چیزی از جمله حل مشکلات اجتماعی، خانواده است و به خانواده اهمیت فوق العاده ای داده شده است. اگر در میان خانواده، توانمندی پیدا نشد که مشکل مطروحه را حل کند در این موقع وظیفه حمایت از نیازمند از خانواده کوچک به خانواده بزرگ یعنی جامعه منتقل می‌شود و در صورتیکه جامعه نیز

توان کافی را در این خصوص را نداشت، متوجه دولت اسلامی خواهد بود و لذا اسلام و حکومت اسلامی در رابطه با خدمات اجتماعی، با توجه به اصل تعاون، مسئولیت را بطور مشترک متوجه دولت اسلامی از یک سو و عموم افراد جامعه از سوی دیگر کرده است.

بنیان فلسفی خدمات اجتماعی

قسمت اول) منشاء و انگیزه خدمات اجتماعی

بدون شناخت «انسان» و ابعاد او پی بردن به انگیزه های خدمات اجتماعی امکان پذیر نیست. بنابراین شناخت منشاء خدمات اجتماعی، شناخت انسان از دیدگاه اسلام است.

شناخت انسان به عنوان محور انگیزه های خدمات:

مراحل یا مراتبی که در شناخت انسان مطرح می‌شود، به اختصار عبارتست از:

اول: شناخت خلقت انسان: مکاتب الهی و در غایت این مکاتاب، قرآن کریم انسان و خلقت او را ویژه معرفی می‌کند. اهمیت موضوع مربوط به شناخت خلقت انسان در رابطه با موضوع خدمات اجتماعی از این جهت قابل توجه و بررسی است که انسان معتقد به مکاتب الهی، برای انسان جایگاه و فضیلتی، فوق موجود دیگر قائل است و از او به عنوان اشرف مخلوقات، انتظار منشاء خیرات و مبرات را دارد انسانی که در تبعیت از مقام انسانی-الهی خود نمی‌تواند نسبت به مصائب دیگران بی تفاوت باشد.

دوم: شناخت روح انسان: از آنجایی که به فرمایش خداوند تبارک و تعالی، شناخت روح برای انسان امکان پذیر نیست لذا منظور ما از شناخت روح عبارتست از توجه به مبدأ، مقصد، قداست و عظمت روح است.
آیات ۹ سوره سجده و ۲۲ سوره مجادله به قداست روح انسان اشاره کرده اند.

سوم: شناخت منزلت و مقام انسان: مواردی مانند خلیفه الهی انسان، سجده بر انسان توسط فرشتگان، خلقت همه چیز برای انسان، فضیلت انسان نسبت به همه مخلوقات، روشن کردن حقایق بر انسان توسط خداوند، ظرفیت علمی انسان، خلقت انسان در بهترین شرایط که در قرآن ذکر شده، نشان از منزلت و مقام انسان دارد.

چهارم: شناخت سرشت و فطرت انسان: در بحث «انگیزه اجتماعی و تعاون» در این باره سخن خواهیم گفت.

پنجم: شناخت ضد ارزشها: انسان دارای زمینه ها و استعداد بالقوهٔ ارزش و ضد ارزش می باشد و شرط اصلی وصول به کمال انسانی این است که ارزشها را به فعلیت درآورد و با ضد ارزشها مبارزه کند.

ششم- شناخت اختیار و اراده انسان: خداوند به انسان قوه تعقل و نیروی ممیزه زشتی و زیبایی، خوبی و بدی را داده تا با انتخاب راه خود، به کمال و نهایت انسانیت خود برسد و یا برعکس.

هفتم- شناخت مسئولیت انسان: انسان مختارترین موجود روی زمین است و در مقابل، مسئول ترین آنها نیز می باشد و این مسئولیت اولاً متناسب با اختیار است و ثانیاً در حد استطاعت و توانش است و ثالثاً در درجه اول نسبت به خود مسئول است و در درجه دوم نسبت به خانواده و خویشان و در درجه سوم نسبت به جامعه خویش.

فطرت انسان به عنوان سرچشمه و منشاء خدمات اجتماعی و تعاون

«فطرت» به معنی خلق کردن، شکافتن و ابداع است. یعنی آفریدن چیزی که بدون سابقه باشد. فطرت به معنی گونه خاص و ابداع خاص است که در واقع به آفرینش خاص انسان اشاره دارد. یعنی انسان با کیفیت و ویژگی های خاص خود خلق شده است که در گذشته نظیر آن وجود نداشته است.

فطرت که در مورد انسان به کار می رود امریست غیر اکتسابی و زمینه ایست خدادادی و نیروئیست بالقوه که با اراده انسان به فعلیت در می آید و موجبات تعالی او را فراهم می سازد. به طور کلی، فطرت عبارت از مجموعهٔ استعدادها و خصوصیاتی است که لازمهٔ خلقت انسان بوده و از آغاز آفرینش در نهاد انسان به ودیعه گذاشته است.

در مورد ویژگی های فطرت می‌توان گفت:

۱- تنها در مورد انسان صادق است یعنی مخصوص انسان است.

۲- همگانی است یعنی در همهٔ انسان ها وجود دارد اعم از صاحب ایدئولوژی و یا فاقد ایدئولوژی و ...

۳- غیر اکتسابی است یعنی قابل تحصیل از محیط و جامعه نیست.

۴- زمینه ایست بالقوه که به مرور بر اثر عوامل و شرایط گوناگون و همچنین اراده انسان به فعلیت در می آید.

۵- انعطاف پذیر است یعنی عوامل فردی، اجتماعی و تربیتی و ... در آن تأثیر مثبت یا منفی می گذارد، موجب رشد و شکوفایی و تجلی آن و یا باعث عدم ظهور آن می گردد.

۶- زمینه های فطری قابل رؤیت نیست، بلکه آثار خارجی و تجلیات بیرونی آن قابل درک است.

آنچه که مهم است اینکه فطرت الهی انسان تا چه حد از عوامل تربیتی و اجتماعی، اثر سوء یا تأثیر مثبت گرفته است. بدیهی است که هر اندازه اثر منفی بیشتر بوده باشد به همان نسبت انسان صاحب چنین فطرتی از مسائل و مشکلات همنوعان خود کمتر برانگیخته می‌شود، لذا عوامل تربیتی و اجتماعی می بایست در جهت شکوفا ساختن این زمینه بالقوه وارد عمل شوند و آنرا به حد اعلای فعلیت برسانند.

حاصل سخن اینکه شناخت انسان و ویژگی ها، ارزشها و فطریات او از یک سو و شناخت انسانهای دیگر در قالب نیازمند و دردمند کمک می‌کند تا در جریان مددرسانی، به شئونات انسانی او توجه شود و نیازهای واقعی اش مد نظر قرار بگیرد و از سوی دیگر، خادم پی به ارزشهای واقعی وجود خود ببرد و با شکوفا ساختن زمینه های هنری و خدادادی، کمک به انسانهای نیازمند را وسیله تکامل و تعالی خود قرار دهد. به اختصار می‌توان گفت که فطرت هم در رابطه با خادم و مصلح اجتماعی مطرح است و هم در رابطه با محروم و نیازمندان جامعه.

اعتقاد به فطرت یعنی ایمان و اعتقاد به قابلیت ابناء بشر و قدرت و توان بالقوه او جهت ایجاد شرایط زندگی مناسب تر و بهره مند شدن از امکانات موجود جامعه است. بنابراین مصلح اجتماعی با الهام از فطرت خویش، تلاش در پرورش و شکوفایی فطرت دیگران دارد تا او را در حل مسائل و مشکلاتش رهنمون باشد.

قسمت دوم: اهداف خدمات اجتماعی

۱- هدف اصلی

۲- ابزار و وسایل رسیدن به هدف

۳- راه رسیدن به هدف.

هدف از عدالت، انفاق، احسان، امداد، نیکی و نیکوکاری، رسیدن به مقصد اصلی یعنی خداوند تبارک و تعالی و یا به تعبیر دیگر کمالی و تعالی انسان است. وسیله ای که می‌توان با آن به مقصد رسید مجموعه خدمات اجتماعی در ابعاد مختلف است و راه رسیدن به هدف با استناد به کلام خداوند متعال، شناخت و کنترل نفس است.

کنترل نفس انسان به عنوان راه رسیدن به هدف

آیهٔ ۱۰۵ سورهٔ مائده به صراحت بیان می‌کند که راه رسیدن به هدف، چیزی جز شناخت و کنترل نفس نیست. تزکیه نفس بدان جهت ضروری است که بر منشاء، مسیر و غایت هدف هر انسان تأثیر مستقیم دارد و بر همین اساس است که شناخت و کنترل نفس در ایدئولوژی اسلامی، اهمیت فراوانی پیدا کرده و مراتب و مراحلی را برای آن مطرح می سازند که نهایت آن «نفس مرضیه» است. به جهت اهمیت همین موضوع است که مبارزه با نفس اماره «جهاد اکبر» نام گرفته است.

وقتی صحبت از اهداف خدمات اجتماعی می‌شود، شناخت و کنترل نفس به عنوان راه رسیدن به هدف، مقدم بر آن قرار می گیرد، زیرا در صورتی که خادم جامعه اسلامی در این مهم توفیقی نداشته باشد بی راهه خواهد رفت. تاکید بر خودسازی از سوی قرآن و سنت بر این اساس است که حاصل تلاش و خدمات انسان تزکیه شمرده، ثمری دارد که آثار آن، از خود او فراتر رفته و به دیگران می رسد. تزکیه و خودسازی نیز در سایه خودشناسی (خود آگاهی) حاصل می‌شود.

چنانچه در مباحث علمی و حرفه‌ای و مددکاری اجتماعی «خود آگاهی» به عنوان اصول حرفه‌ای و حتی مهمترین اصل حرفه‌ای مطرح می‌شود. عدم پیش داوری، کنترل احساسات، عدم خشم، عدم منت در ارائه خدمت و ... همه در سایه خودسازی، که نتیجه شناخت و کنترل خویشتن است ممکن می‌شود.

هدف نهایی و اهداف میانی (واسطه ای) در خدمات اجتماعی

هدفی که در خدمات اجتماعی مطرح می‌شود چیزی جز رستگاری انسان نیست و کلیه اعمال و اقداماتی که در قالب خدمات اجتماعی و در جهت کمک به اقشار محروم و نیازمند جامعه انجام می گیرد باید در نهایت، زمینه های رستگاری (خادم و مخدوم) را فراهم سازد. پس در خدمات اجتماعی دو نوع هدف مطرح است: هدف غایی (نهایی) و اهداف میانی (واسطه ای – وسیله ای).

هدف غایی همان فلاح و تعالی انسان، و اهداف میانی (واسطه ای)، تأمین نیازها و امکانات مادی و معنوی برای رسیدن به هدف نهائی است. هر خدمتی که انسان را به این هدف نهائی نرساند و یا حداقل به آن نزدیک نکند، حتی اگر از بعد مادی دارای فایده هم باشد، مقبول نیست.

هدف غایی و نهائی در خدمات اجتماعی، تعالی و تکامل انسان است و اهداف واسطه ای یا وسیله ای، اشکال گوناگون خدمات اجتماعی است که می‌تواند زمینه های تعالی خادمین و مخدومین را مهیا سازد.

بنابراین ارزش و اعتبار «خدمات اجتماعی» در وسیله و ابزار بودن آن است، وسیله ای که انسان را در جهت هدف آفرینش که چیزی جز تعالی حقیقی انسان نیست مددکار باشد.

مشکلات فردی و اجتماعی، فقر و فساد و جهل به عنوان مثلث شوم و خانمان سوز، می‌تواند مانع از تعالی و کمال انسان شود. پس مبارزه با فقر و فساد فی نفسه هدف نیست، بلکه وسیله و زمینه برای هدف مهمتر و اصلی تر یعنی سعادت حقیقی و فلاح و درستگاری انسان است.

خدمات اجتماعی به اشکال مختلف (اعم از مادی و معنوی) می‌تواند زمینه ساز رفع فقر و محرومیت در جامعه و افزایش تفاهم و «سرمایه اجتماعی» در بین اقشار مختلف جامعه باشد.

قسمت سوم: شرایط و اصول خدمات اجتماعی

منظور از اصول و شرایط خدمات اجتماعی، عبارت از در نظر گرفتن ضوابط و معیارهایی است که ما را در جهت رسیدن به اهداف نهایی یاری می رساند و یا برعکس بی توجهی به این اصول و عدم رعایت آنها در انجام اقدامات اجتماعی موجب از بین رفتن آثار حقیقی خدمت می‌شود.

۱- ایمان

اولین اصل و شرطی که در خدمات اجتماعی مطرح است، توأم بودن این اعمال با ایمان است.

۲- اخلاص

در قرآن کریم مترادف اخلاص اصطلاحاتی نظیر سبیل الله، مرضات الله، وجه الله بکار رفته است و نمونه دیگر آن در آیه ۱۷۷ بقره کلمه «حبه» می باشد که مصلح اجتماعی از روی اخلاص و حب خداوند متعال و جلب رضای الهی، از دوستی مال و دارایی و رفاه و آسایش می گذرد، اوقات خود را صرف نیازمندان می‌کند و در جهت لقای خداوند متعال و دوستی حق تعالی از هیچ کوشش و فعالیتی دریغ ندارد.

زمینه های مربوط به اخلاص عبارتند از:

الف) اخلاص در نیت (قصد قربت): در رابطه با اهمیت قصد و نیت همین بس که اگر انسان عبادتی را (چه واجب و چه مستحب) و یا انفاق و امدادی را (چه واجب و چه مستحب) بدون قصد قربت انجام دهد با عنایت به هدف نهایی و نیل به آن، مثل این است که هیچ کاری نکرده است.

ب) بی ریا بودن در خدمت: در فرهنگ معین، ریا به تظاهر کردن، دو رویی، نفاق و ترک اخلاص معنی شده است و به طور کلی ریا در مقابل اخلاص قرار دارد.

در آیه ۲۴۶ سوره بقره، امداد و انفاق توأم با ریا را تشبیه به دانه ای می‌کند که در روی صخره ای با قشر نازکی از خاک کاشته شده باشد و قطرات باران (ریا) نه تنها خاک، بلکه بذرهای کاشته شده را نیز با خود شسته و می برد و چیزی جز خسران و اندوه نصیب صاحب آن نمی گرداند.

ج) بدون منت و آزاد بودن خدمت

۳- وفای به عهد

عمل به احکام الهی در زمینه امور مسلمین و امداد و انفاق یکی از مصادیق وفای به عهد بندهٔ صالح و متقی است.

یکی دیگر از مصادیق وفای به عهد در خدمات اجتماعی، رازداری و حفظ اسرار مردم و محرومان است. حفظ راز مردم نیازمند و رعایت حیثیت آنها به عنوان یکی از مصادیق بارز وفای به عهده از اصول مهم خدمات اجتماعی و تعاون در اسلام است و رعایت آن موجبات اخوت، صمیمیت، صفا و محبت امت اسلامی به ویژه ما بین مستضعفین و خادمین جامعه اسلامی را فراهم می سازد.

۴- صبر و گشاده رویی

صبور بودن و حوصله داشتن، یکی از خصیصه های مهم مسلمان معتقد است. صبر در بعد فردی نظیر صبر معصیت ها، شدائد، گرفتاری های خصوصی، هواهای نفسانی و نظایر آن موجبات تزکیه نفس را فراهم می سازد.

صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد.

مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاطفت و خوش خلقی اهمیت بسزایی دارد و یکی از موثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل فی ما بین بشود.

اهمیت برخورد مناسب به حدی است که از انفاق و احسان مادی برتر شمرده شده است.

تجارب متعدد نشان داده است برخورد انسانی و مناسب، ایفای نقش سنگ صبور برای دردمندان، تا چه اندازه در گشایش عقده های روانی و اجتماعی کمک خواهان تأثیر دارد.

بنابراین «شنونده خوب بودن» و «هنر گوش دادن» از ویژگی های مهم و اثرگذاری است که اقدامات و خدمات ما را ارزشمند می سازد.

۵- صداقت

صداقت در هر سه بعد آن یعنی صداقت در پندار، صداقت در گفتار و صداقت در کردار و عمل. یعنی یک مصلح اجتماعی متعهد و معتقد، چیزی را که می گوید همان است که به آن اعتقاد دارد و چیزی هم که عمل می‌کند همان است که می گوید و لذا در پندار و گفتار و کردار وی وحدت کامل وجود دارد.

معیار و میزان در موضوع صداقت در خدمات اجتماعی، رضای خداوند متعال است نه رضایت گیرنده خدمت. چه بسا نیازمند آبرو دار و قانعی که با یک خدمت کوچک، راضی و خشنود می‌شود و چه بسا نیازمند حریص و زیاده خواهی که با حداکثر خدمت نیز ناراضی است. آنچه موجب رضایت حق تعالی است اینکه ما در حد امکان و توان خود از یک سو و در حد نیاز نیازمندان به آنها کمک کنیم که این نیز مستلزم شناخت نیاز و نیازمندان است.

۶- رعایت تقدم و تاخر (اولویت ها)

این موضوع نیز در جامعه اسلامی، یکی از شروطی است که رعایت آن می‌تواند موجبات عدالت اجتماعی را فراهم سازد. یعنی با توجه به:

۱- درجه نیاز مستضعفین

۲- تأثیر مشکل آنها در کل جامعه

۳- روابط خویشاوندی و ارتباطات آنها با مصلح اجتماعی

۴- وضعیت عاطفی، روانی و شخصیتی نیازمندان

می بایست آنها را گروه بندی کنیم و با رعایت اولویت ها در جهت رفع نیاز مادی و معنوی آنها اقدام نمود و همین مطلب به خوبی اهمیت تحقیقات اجتماعی را در شناخت ریشه های مسائل اجتماعی و طبقه بندی آنها و تعیین اولویت ها و شناسایی نیازمندان واقعی روشن می سازد، یعنی عالم بودن و علم داشتن به مسائل اجتماعی.

بسیاری از آیات مربوط به انفاق نیازمندان را به ترتیب تقدم بیان می فرماید. آیه ۱۷۷ سوره بقره نمونه ای است بر این اصل، به طوری که خداوند متعال در میان عموم نیازمندان جامعه، ارحام و خویشاوندان را مقدم بر همه آنها معرفی می فرماید. و همین به خوبی تقدم و اهمیت توجه به روابط خانوادگی و تحکیم آن و تأثیرش را در جامعه نشان می دهد.

در بین گروه ها و اقشار دیگر جامعه که نیازمند هستند، ایتام مقدم بر سایر نیازمندان مطرح شده است که تأمل و اندیشه در آن به خوبی نشان می دهد که یتیمی و بی سرپرستی می‌تواند منشاء بسیاری از مسائل و انحرافات اجتماعی بشود.

قسمت چهارم: آثار و نتایج خدمات اجتماعی

الف) آثار و نتایج فردی

۱- **موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی می‌شود**: مطابق آیات قرآن (آیه ۳۸ سوره روم) ارزنده ترین پاداشِ نیکی و احسان، لقای الهی است.

۲- **موجب تزکیه نفس و آمرزش گناهان می‌شود**: انجام اعمال صالح و خدمات اجتماعی، نه تنها باعث تزکیه نفس می‌شود، بلکه موجب پرورش انسانیت می گردد و وقتی با تکرار این قبیل نیکی ها، انسان عامل به عمل صالح پرورده شد، به درجه تقوا می رسد.

نیکی و نیکوکاری و امداد و انفاق موجب حفظ انسان از لغزشگاه ها و معصیت ها می‌شود. باید توجه داشت که فلسفه کفاره (که معادل فارسی آن جریمه است) فقط تطهیر معصیت کار از گناه و تخلف و رهایی او از مجازات و تنبیه دنیوی و اخروی نیست بلکه اصلاح جامعه و مناسبات انسانی- اجتماعی نیز مطمح نظر است. خطاکار، زمانی که معصیتی و عمل خلافی را مرتکب می‌شود همانند این است که آسیبی به پیکر اجتماع وارد ساخته است و این آسیب التیام پیدا نمی‌کند مگر اینکه داروی موثر بر آن تجویز شود و این دارو در بسیاری از معصیت ها، کفاره یا جریمه ای است که پرداخت می‌شود.

۳- **موجب قوت قلب و اطمینان از آینده می‌شود:** فرد متقی و مصلح اجتماع با اطمینان کامل به وعده الهی با قوت و بدون کوچکترین ترس از آینده و همچنین اندیشه های تاجر مآبانه از آنچه در توان و استطاعت دارد انفاق می‌کند.

۴- **موجب بداء می‌شود:** معنی بداء، آشکار شدن چیزی که پنهان بوده است، تغییر در رأی، ظاهر شدن و نظایر آن می‌باشد.

مفهوم بداء یعنی دگرگونی در سرنوشت انسان به وسیله عواملی از قبیل عمل صالح، دعا و توبه و نظایر آن است. یعنی این که اگر انسان عمل صالحی را انجام دهد چه بسا این عمل موجب دگرگونی در سرنوشت او شود. مراد از بداء تغییر در سرنوشت انسان است، در جهت مثبت یا منفی، یعنی اعمال صالح سرنوشت شوم را می‌تواند تبدیل به سرنوشت خوب بکند و معصیت ها و اعمال شرک آمیز و بی توجهی به احکام الهی، سرنوشت خوب را بدل به سرنوشت نا خوشایند گرداند.

بداء از عالی ترین مفاهیم قرآن و معارف فقه شیعه است یعنی اعتقاد به اینکه بشر می‌تواند قسمتی از سرنوشت خود را با رفتار و کردار نیکو و صالح دگرگون سازد.

اعتقاد به «بداء» مایه امید و نشاط و سبب فعالیت افراد نیکوکار در جهت انفاق و امداد می‌شود. همانگونه که اعتقاد به توبه و شفاعت مایه نشاط و موجب بازگشت معصیت کاران به راه خیر و صلاح می گردد و انکار این حقایق چه بسا موجب یاس خطا کاران از پذیرش استغفار آنها و باعث بالا رفتن جرم و خلافکاری در جامعه می‌شود، عدم باور «بداء» اجتماع را از مسیر صلاح و عافیت دور می سازد. در مقابل، بشر معتقد به بداء سعی در بر آوردن حوائج مسلمین دارد تا بدین طریق موجبات گشایش درهای رحمت الهی را فراهم کند. این امید به لطف الهی است که موجب نشاط و تلاش و ایثار انسانهای متعالی می گردد. از سوی دیگر اعتقاد به بداء موجب می‌شود که انسان، فقر و مسکنت، بدبختی و فلاکت را به عنوان سرنوشت قطعی خود تلقی نکند و مطمئن باشد که با درایت و تدبیر و تلاش می‌تواند سرنوشت خود را رقم زند و آینده ساز خویش و جامعه اش باشد.

۵- موجب افزایش رزق و وسعت روزی می‌شود: فرد خادم اگر خدمات خود را با خلوص و صداقت انجام دهد و آن را از آسیب های کوچک و بزرگ محفوظ بدارد، مطمئناً نه تنها به اجر معنوی آن نائل خواهد شد بلکه به پاداش مادی و دنیوی نیز خواهد رسید. و این امکان پذیر نیست مگر با رسیدن به درجه ایقان و باور.

ب)آثار اجتماعی

۱- موجب ترویج روح اخوت، تفاهم و وحدت در میان امت اسلام می‌شود: رسول اکرم می فرماید: «پیروان اسلام مانند یک پیکرند، اگر ذره ای از این بدن، بدرد آمد اثر این درد در تمام بدن آشکار می گردد، روح بندگان خدا از یک روح، سرچشمه می گیرند.»

باید متذکر شویم که جامعه سالم یعنی جامعه‌ای دارای «سلامت اجتماعی» و عمده ترین ویژگی سلامت اجتماعی نیز وجود «سرمایه اجتماعی» است.

سرمایه اجتماعی ریشه در ارتباطات مردمی و کنش های اجتماعی دارد. فرایندی از پایین به بالاست و از تعامل اعضاء جامعه باز تولید می‌شود و مثل سایر انواع سرمایه (طبیعی، انسانی، فیزیکی) اگر تجدید نشود مستهلک می‌شود.

لازمهٔ ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی، حفظ و تثبیت «روابط اجتماعی» و «مشارکت» توأم با تفاهم در ابعاد مختلف است.

در سایه «سرمایه اجتماعی» که همانا حس تفاهم، احساس همدلی، رفاقت، اعتماد متقابل و ..... می باشد، سلامت فردی و اجتماعی، خشنودی و رضامندی، سعادت و نیک بختی عاید جوامع انسانی می‌شود. سرمایه اجتماعی موجب کاهش مصرف مواد مخدر، خودکشی، خشونت خانگی، فقر و بیکاری و انواع آسیب های اجتماعی می‌شود. آسیب هایی که از یکسو به جهت کمبود و یا فقدان سرمایه اجتماعی پدیدار می‌شود و از سوی دیگر، عاملی برای تخریب سرمایه اجتماعی است.

۲- موجب تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه می‌شود: انفاق، احسان، نیکی و نیکوکاری، امداد و تعاون، گره گشایی و توجه به مشکلات اعضای جامعه، در جهت تأمین عدالت اجتماعی نقش به سزایی دارد. پرداخت و اجباتی نظیر زکوة و خمس و ... و اقدام به انفاقات مستحبی و احسان به نیازمندان و ارحام و همسایگان، می‌تواند زمینه‌های تعدیل ثروت را در جامعه اسلامی فراهم نماید. علاوه بر آن اجتناب از برخی معصیت ها و منکرات نظیر احتکار، کم فروشی، گران فروشی، کنز اموال و ... نیز طریقه مؤثر دیگری است که حاصل و نتیجه آن برقراری قسط و تأمین عدالت در جامعه است.

آثار و نتایج خدمات اجتماعی به طور خلاصه:

الف) آثار فردی:

آثار معنوی: ۱- اجر معنوی و پاداش حقیقی ۲- آمرزش گناه و تزکیه نفس ۳- قوت قلب و اطمینان از آینده

آثار مادی: ۱- افزایش روزی موجب بداء می‌شود

ب)آثار اجتماعی

آثار معنوی: تفاهم و انسجام جامعه

آثار مادی: عدالت اجتماعی

توضیح اینکه «بداء» دارای ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی می باشد که در هر یک از این چهار زمینه می‌توان مصادیقی را مطرح و بررسی کرد.

***تکافل اجتماعی

تکافل یعنی کفالت کردن، عهده دار شدن امری، به عهده گرفتن چیزی در عوض کسی و تکافل در باب «تفاعل» یک امر متقابل و دو طرفه است، یعنی مسئولیت ها و تکالیفی که اعضاء نسبت به هم دارند، یعنی تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری های فردی و اجتماعی، یعنی امداد آسیب دیدگان جامعه و تأمین احتیاجات نیازمندان. به قول محمد ابو زهره استاد دانشگاه الازهر مصر، تکافل اجتماعی این است که هر توان مندی با به عهده گرفتن اموری از جامعه و استمداد نیازمندان، در اداره و تأمین اجتماع سهیم باشد.

بحث تکافل اجتماعی را در چهار سنجش شرح می دهیم:

قسمت اول: تکافل اجتماعی به صورت فردی (بعد فردی تکافل اجتماعی)

مراد از تکافل اجتماعی در بعد فردی این است که هر یک از اعضاء جامعه اسلامی، به عنوان یک فرد و عنصر اجتماعی، در قبال نیازمندان و محرومین جامعه چه وظیفه و مسئولیتی را عهده دارند و با توجه به برنامه ها و رهنمودهای احکام اسلامی، اگر در مسیر زندگی خود با محرومان و دردمندان مواجه شدند در جهت رفع نیاز آنها چه نقشی را باید ایفا بکنند. از طرف دیگر بیشترین نیازمندانی که در این بخش مورد توجه قرار می گیرند موردهایی هستند که چه بسا توجه به تک تک آنها بصورت انفرادی، مسائل و مشکلاتشان را مرتفع و آنها را به سوی آسایش و رضامندی سوق می دهد.

چهار گروه از نیازمندان جامعه که کفالت و امدادهای فردی را طلب می‌کنند عبارتند از: ایتام، مستمندان، مظلومان و مصیبت زدگان

۱- ایتام

اولین گروهی که در آیات قرآن و خارج از حوزه ارحام و خویشان مورد عنایت قرار می گیرد ایتام است. در برخی از آیات قرآن، در موارد و مواقع خاصی که افراد صالح نتوانند مشکل ایتام را حل کنند و حکومت اسلامی مجبور به تدبیر و ارائه طریق در این مهم باشد، منابعی پیش بینی شده است که دولت اسلامی از آن طریق بتواند اقدام لازم را در قالب برنامه های رفاه اجتماعی در جهت حمایت از ایتام به اجرا در بیاورد.

منظور از برنامه های رفاهی، تأیید نظام پرورشگاهی در سرپرستی ایتام نیست. منظور از برنامه های رفاه اجتماعی این است که دولت اسلامی با حمایت از خانواده های ذیصلاح، و یا در نهایت از طریق نهادهای شبه خانواده، این قشر محروم و نیازمند از نعمت سرپرستی در کانون گرم خانواده بهره مند سازد و از طریق موسسات ذیربط، نظارت مستمر و مؤثر بر این مهم داشته باشد. و این تبعیت از کلام الهی و سنت معصومین است که بهترین مکان و مناسب ترین شیوه در سرپرستی ایتام را نهاد خانواده معرفی می‌کند.

تعریف یتیم از ابعاد مختلف

الف) یتیم در عرف جامعه به طفل صغیری اطلاق می‌شود که یکی از والدین خود را از دست داده باشد.

ب) یتیم از نظر شرع مقدس اسلام به کودک یا نوجوانی گفته می‌شود که پدر خود را از دست داده باشد.

ج) یتیم از دیدگاه حقوقی و قانونی به فردی که فاقد «ولی»، «قیم» و «سرپرست» باشد گفته می‌شود.

د) یتیم از نظر اجتماعی که مترادف آن معمولاً اصطلاح «بی سرپرستی» است به این مفهوم به کار می رود که فردی در سنین پایین تر از سن قانونی به علل مختلف از سرپرستی مؤثر محروم باشد. در چنین مواردی ممکن است پدر و

مادر در قید حیات باشند ولی هیچ کدام از آنها به دلایل جسمانی، روانی، عاطفی و یا اخلاقی صلاحیت و قدرت حضانت از او را نداشته باشند.

ه) یتیم از نظر سنی به افرادی که زیر گروه سنی ۱۸ سال قرار دارند و فاقد سرپرست هستند اطلاق می‌شود، ولی باید توجه داشت که ممکن است جوانی، ظاهراً به سن تقویمی (شناسنامه ای) قانونی رسیده باشد ولی به دلایل هوشی و عقلی و روانی هنوز به حد بلوغ و تکفل نرسیده باشد و نیازمند حمایت و حضانت باشد. به طور کلی در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین یتیم به کسی اطلاق شده است که در سنین خردسالی پدرش را از دست داده است.

در جهت سرپرستی ایتام در دنیای امروز، چهار روش متداول است:

۱- نگهداری ایتام در پرورشگاه ها و مجتمع های تربیتی.

۲- نگهداری ایتام در «خانواده های داوطلب» یعنی کودک از طرف مقامات مسئول به خانواده های ذیصلاح سپرده می‌شود تا مدت زمان مشخص مورد حمایت قرار گیرد.

۳- شبه «خانواده»: که در این سیستم زن و شوهر واجد شرایط به عنوان والدین صوری تعداد محدودی از ایتام را به سرپرستی گرفته بابت آن حقوق از دولت می گیرند.

۴- «فرزند خواندگی»: که در این روش کودک همانند یک فرزند واقعی از سوی خانواده پذیرفته می‌شود و از بعد حقوقی نیز مانند فرزند واقعی با او معامله می شو و برای حل مشکل محرمیت نیز از مشورت روحانیون استفاده می‌شود.

حاصل سخن اینکه بهترین و مناسب ترین کانون برای حضانت از ایتام، نهاد خانواده و آن هم از طریق پذیرش یتیم به فرزند خواندگی است.

آیات الهی به ما متذکر می‌شود که:

اولاً: بیشترین مسئولیت در امور مستمندان متوجه افراد معتقد و متعهد به اسلام است که به صورت داوطلبانه و ایثارگونه از حب مال بگذرند و در خدمت محرومین قرار گیرند.

ثانیاً: از نظر وجوب نیز تأکید بر امت اسلامی است تا با پرداخت وجوهات شرعی نظیر زکوه و خمس و کفاره و ... در جهت رفع فقر و مسکنت همت کنند.

ثالثاً: زمانی که مشکل فقر و تنگدستی با مشارکت و مساعدت مسلمین حل نشد، حکومت اسلامی موظف می‌شود تا در این زمینه تدبیر لازم را از طریق ارائه برنامه های تأمین اجتماعی اتخاذ نماید.

فقر شدید موجب عدم تعادل روانی و باعث سرگردانی عقل می‌شود. فقر و مسکنت اگر شدت یافت و طولانی شد، عقل و منطق را زایل می‌کند و انسان را به کارهای نامعقول وادار می سازد.

از آنجایی که اسلام فقر را یک پدیده اجتماعی می داند. بنابراین به افراد جامعه از یک سو و به دولت اسلامی از سوی دیگر، اکیداً سفارش می‌کند که با این پدیده شوم مبازه کنند و ریشه آن را بخشکانند.

«فقر» یعنی محروم ماندن انسان از دست یابی به کالاها و خدماتی که امکان تولید یا عرضه همگانی آنها در جامعه وجود دارد.

فقر را در دو مفهوم کلی «فقر مطلق» و «فقر نسبی» طبقه بندی می‌کنند. منظور از فقر مطلق، عدم امکان دستیابی به امکانات متعارف زندگی برای بقاء می باشد (حداقل معینی از غذا، مسکن، پوشاک که لازمه حیات است) و مراد از فقر نسبی، نوعی مقایسه بخشی از جامعه نسبت به بخش دیگر یا کشوری نسبت به کشور دیگر است.

مفهوم «فقیر» و «مسکین» در متون اسلامی متفاوت از همدیگر مطرح شده است. مسکین از مسکنت به معنی زمین گیر شدن و ناتوانی مطلق است (که شاید بتوان آنرا با فقر مطلق مرادف گرفت). در چنین وضعیتی فرد نیازمند فاقد هر گونه درآمدی است در صورتی که فقیر به کسی اطلاق می‌شود که دخل و خرج او با هم توافق ندارد یعنی هزینه های او بیش از درآمدهایش می باشد (می‌توان این مفهوم را نیز مرادف با فقر نسبی در نظر گرفت) و لذا بصورت منطقی توجه به مساکین در مقایسه با فقرا دارای اولویت است.

۳- مظلومان

یاری مظلومان و مبارزه با ستمگران و گردن کشان سر لوحه زندگی اجتماعی و سیاسی انبیاء و اولیاء الهی بوده است و علاوه بر این که به صورت فردی با این مشکل مبارزه می کردند و همواره امدادگر ستم دیدگان بوده اند، توجه به این مهم در صدر برنامه های حکومتی آنها بوده است.

چنانچه می دانیم، مومنین همواره به صبر و شکیبایی و تحمل همدیگر و ملایمت در برخورد با دیگران توصیه شده اند، ولی تنها موردی که پرخاش و تندی در آن مجاز شمرده شده است در زمان مظلومیت است.

یکی از مسئولیت های اجتماعی مسئولین در بعد فردی، فریاد رسی از مظلومان است و این فرضیه برای افرادی که در جامعه به عنوان مصلح اجتماعی ایفای وظیفه می‌کنند اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لذا با این اعتقاد است که جملاتی نظیر «مددکار اجتماعی از تحمیل این نظریه که انسانها، محرومیت، تهی دستی و ذلت را به عنوان سرنوشت بپذیرند و خود را با شرایط غیر عادلانه و آزار دهنده اجتماعی سازش دهند احتراز می‌کند» معنی پیدا می‌کند.

۴- مصیبت زدگان

از لحاظ تأمین امنیت و آسایش در جامعه، یکی از عوامل بسیار مهم و با ارزش فریاد رسی از دیگران و تعاون و معاضدت به همدیگر در زمان های بحرانی نظیر جنگ و زلزله و سیل و قحطی و ..... است و تجارب نشان داده است که در اغلب موارد، دولت ها بدون مشارکت واقعی ملت ها از حل این قبیل معضلات اجتماعی عاجزند. در بخش «امداد» به عنوان یکی از سه بخش اصلی حوزه وسیع «رفاه اجتماعی»، مسئولیت اصلی و قانونی متوجه جمعیت هلال احمر است ولی این نهاد بدون همکاری و همراهی سایر نهادها و سازمانهای حوزه خدمات اجتماعی و مشارکت های وسیع و همه جانبه مردمی امکان توفیق کامل پیدا نمی‌کند.

قسمت دوم: تکافل در گروه های اجتماعی

مکتب متعالی اسلام در بعد تکافل اجتماعی، اعضاء جامعه را که در قالب گروه های اجتماعی اولین و ثانویه زندگی می‌کنند به انجام وظایف و تکالیف ارزشمند امداد و حمایت تشویق و ترغیب می‌کند و حتی در مواردی به پرداخت نفقه و ارائه برنامه‌ها حمایتی جنبه وجوب می دهد. بنابراین اگر تعالیم اسلام مورد تعمق قرار گیرد چه بسا، بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی حل و یا به حداقل برسد.

الف) حقوق والدین

در مورد آیات ۱۵۱ سوره انعام و ۲۳ بنی اسرائیل و ارتباط بین آنها جالب است گفته شود که:

اولاً : «شرک»، بزرگترین گناه و سرچشمه بسیاری از معصیت هاست و بلافاصله بعد از آن بی توجهی به والدین هم ردیف با شرک به عنوان منشاء بسیاری از مسائل اجتماعی مطرح می‌شود.